باز اتمام حجت

در این موقع که وقایع عمدهء در دنیا از قبیل انقلاب عظیم روسیه‏ و اوضاع مناسبات امریکا و آلمان از یک طرف و اتّفاقات بسیار مهمّ جنگی‏ هم مستقیما راجع بصف جنگی ایران مانند تخلیهء خاک ایران از طرف‏ قوای عثمانی و ایرانی و افتادن بغداد و تصرّف موقّتی آن دار السّلام از طرف‏ انگلیسها که نتایج محتملهء آن برای ایران معلوم است از طرف دیگر در جریان است ما میخواهیم نظری باوضاع حکومت مرکزی ایران در طهران و اشکالاتی که در آن دست و پا میزنند بیندازیم:

ایران و یونان این دو ملّت قدیم دنیا که امروز هر دو زبون‏ و زجرکش یک دستهء معیّنی از دول ظالمه شده‏اند مشابهت غریبی نیز در این باب دارند که هر دو هدف اتمام حجّتهای گوناگون و پی‏درپی واقع‏ شده‏اند.در این اواخر یک روزنامهء ترکی بطور مزاح نوشته بود که‏ «اگر دولی را که بآنها اتمام حجّت زیاد از طرف دول دیگر داده شده‏ بشمارند و فهرستی از آنها ترتیب دهند یونان اوّلین سطر آن جدول را خواهد گرفت زیرا باین دولت بیچاره هر هفته بلکه هر روز یک اتمام‏ حجّت هولناکی از دول اتّفاق میرسد».ولی شاید اتمام حجّتها که بایران‏ از طرف روس و انگلیس داده شده و تقاضاهای توهین‏آمیز که بتهدید خفه‏ کردن آن دولت شده است نه در عدد و نه در شدّت کمتر از مال یونان‏ نباشد درصورتیکه در نتیجهء سیاسی هزاران مرتبه بدتر از آن است.

گذشته از اتمام حجّت سرتیپ سنارسکی‏1فرمانده اردوی سفری‏ روس در بیله سوار(در سرحد مغان)در اواخر ربیع الثانی 1326 بمهلت 15 روزه‏2برای تنبیه شاهسونها،و اتمام حجّت انگلیس در 11 شوّال 1328 بمهلت سه ماهه راجع بنظم راههای جنوب ایران و تهدید تشکیل یک قشون ایرانی در زیر حکم صاحب‏منصبان انگلیسی،اتمام‏ حجّتهای هولناک تاریخی روس در ذی الحجّهء 1329 راجع باخراج مستمر شوستر امریکائی و سلب حقوق استخدام خارجه از دولت ایران جاودان‏ در خاطر هر ایرانی خواهد ماند و شاید آن ایام روی هم رفته بدترین‏ (1) Znarsky

(2)این اتمام حجّت بمهلت 10 روزه بود و بواسطهء تقلاّی‏ فوق العادهء دولت ایران و خواهش شخصی محمّد علی شاه از امپراطور روس به 15 روز تمدید شد.

کاوه » شماره 20 (صفحه 2)

روزهای ایران در تاریخ اخیر بوده است.بعد از آن بخاطر میآوریم‏ یادداشت دیگر دولتین روس و انگلیس را بشکل اتمام حجّت در 29 صفر 1330 راجع بمجبور کردن دولت ایران بشناختن رسمی قرارنامهء 1325 ما بین روس و انگلیس در باب ایران و سلب حقّ تشکیل قشون از دولت‏ ایران و غیره.

اینک اخیرا از تلگرافات واصله بجراید فرنگستان معلوم میشود که باز یک اتمام حجّت تازهء برای سلب آخرین حقوق استقلالی ایران از طرف‏ دو جلاّد این مملکت بدولت بیچارهء ایران در 18 ربیع الثانی امسال‏ (1335)داده شده است بمهلت دو روزه راجع بتقاضای اجرای موادّ یادداشت دولتین مزبور مورّخهء 4 شوّال 1334 دربارهء امور قشونی‏ و مالی ایران.

شرح این واقعه بطور اجمال چنان است که در 4 شوّال 1334 سفارتهای روس و انگلیس در طهران یادداشتی بدولت ایران فرستادند. یادداشت مزبور که در عداد اسناد مهمّهء تاریخی ایران خواهد ماند و بشخص‏ صدر اعظم ایران ولیخان سپهسالار اعظم تنکابنی داده شده بود بدولت‏ ایران تقریبا تکلیف میکرد که امور مالی و نظامی مملکت ایران در زیر نظارت آن دو دولت گذاشته شود.

این یادداشت از دولت ایران تقاضا میکرد که تشکیل یک قشون ایرانی را در ولایات جنوبی بعدّهء یازده هزار نفر صاحب‏منصبان انگلیسی بپذیرد و عدّهء فوج قزّاق ایرانی در ولایات شمالی نیز بهمان اندازه تزیید شود. هر دو دولت تکلیف میکردند که عدّهء کافی از صاحب‏منصبان جزء و اطبّای‏ نظامی و غیره برای تشکیل و تعلیم این دو قوّهء نظامی بدولت ایران(!)بدهند و بعلاوه محض دوستی صمیمی که با ایران دارند مخارج تشکیل و تجهیز و نگاهداری این قوی را نیز اقلاّ تا آخر جنگ فرنگستان بعهده میگیرند. علاوه بر اینها یادداشت مزبور متضمّن تکلیفی راجع بنظارت مالیّه بود باین‏ ترتیب که بیک هیئت مختلط مالیّه که از 11 رجب 1334(24 برج ثور لوی‏ئیل)تا اندازهء مشغول مراقبه در امور مالیّه بودند اختیارات خیلی‏ کامل داده شود و بر اقتدار آن فوق العاده افزوده گردد و در انتخاب‏ اشخاص این هیئت مختلط و تعیین قطعی آنها هم برأی سفارتین عمل شود.

سفارتین برای آنکه درست اختیارات مطلوبه در مالیّه را تعیین و تحدید کنند یک صورت لایحهء حکمی‏1مشتمل بر سه مادّه نیز در باب این‏ اختیارات بیادداشت مزبور ضمیمه کرده بودند که بموجب آن لایحه‏ هیئت مختلط مزبور تقریبا در تمام امور مالیّهء ایران چه از حیث عایدات‏ و چه مصارف و چه تصویب آنها حاکم مطلق میشد.این هیئت که بعدها بنا بر نشریّات جراید از اعضای روسی و انگلیسی و بلژیکی و ایرانی مرکّب‏ شده اینک زمام مالیّهء ایران را در کار است که بدست خود بگیرد.

سپهسالار دو روز بعد از وصول این یادداشت باو بعنوان‏ «حالت اجباری»2بدون مشاوره با اعضای کابینه و بدون اطلاّع‏ (1) De?cret

(2) Force majenre

اعلیحضرت شاه جواب موافقی شخصا بدو سفارت نوشته بود.همین‏ فقره اسباب تغیّر خاطر ملوکانه گردیده و تصادفات آن با دخول عثمانیها بهمدان‏ موجب عزل سپهسالار و نصب میرزا حسنخان وثوق الدّوله بجای‏ وی گردید.

سفارتین روس و انگلیس فرصت را فوت نکرده و فورا مراسلهء شخصی‏ سپهسالار را دست‏آویز قرار داده شروع بعملیّات نموده.سفارت انگلیس‏ در 7 شوّال 1334 بدولت ایران نوشت که بموجب یادداشت 4 شوّال‏ و جواب موافق دولت ایران دولت انگلیس جنرال سیر پرسی سایکس‏1 را بسمت ریاست قوائی که برای حفظ انتظام جنوب ایران تشکیل مییابد انتخاب کرده است.و خواهش کرد که بمأمورین محلّی ولایات جنوبی‏ تعلیمات داده شود که بمشار الیه مساعدت نمایند.هیئت وزرای جدید که‏ سر کار آمده بودند هرچه سعی کردند که بسفارتین بفهمانند که این جواب‏ شخصی سپهسالار بدون اطّلاع شاه و هیئت وزرا و بدون تصویب مجلس‏ ملّی حکمی ندارد و هنوز پیشنهاد مالی و نظامی دولتین مقبول نشده و نمی‏توان‏ بموقع اجرا گذاشت آنها اعتنائی باین اظهارات حقّه نکرده و درصدد اجرا و پیش بردن منظورات خود و مضمون یادداشت 4 شوّال 1334 درآمدند. تا در نتیجهء کشمکشهای زیاد و طولانی که میان دولت ایران و حضرات‏ شد بالأخره مقاومت دولت ایران منجرّ باین اتمام حجّت دولتین مورّخهء 18 ربیع الثّانی که در صدر مقاله بدان شد گردید.

معلوم نیست که دولت ایران در مقابل این اتمام حجّت آن دو دولت‏ ظالم که پایتخت ایران را در زیر قهر و تهدید دائمی خود نگاه داشته‏اند چه رویّهء اختیار کرده یعنی هنوز خبری در این باب بما نرسیده است. لکن احتمال قوی میرود که در این مورد نیز بهمان رویّهء معهود چارهء بیچارگان راه تسلیم را پیش گرفته باشند.

این تکالیف شاقّه در صورتی که اجرا شوند تقریبا بقیّهء استقلال‏ ایرانرا نیز بکلّی پایمال کرده و آخرین شکنجهء زجرکشی برای این مملکت‏ بدبخت و ستمدیده خواهد گشت.زیرا برای یک مملکت مستقلّی هیچ چیز بالاتر از مالیّه و قشون نیست و صدمهء که بحقوق آن در این دو فقره برسد ضربتی است که بقلب بخورد و کار مجروح را تمام کند.

آیا ندای حریّت و غوغای حقوق ملل که در ساحل نوا بلند شده‏ تأثیری در تخفیف این ظلمها و جلاّدیها که دربار نیکلای دوّم مخلوع در ایران مرتکب بودند خواهد داد.یا این حریّت‏پرستی پرشور جدید هم بهتر از ادّعای انسانیّت‏پرستی در«مهد حریّت»قدیم و کنار رود تایمس بود ثمر نخواهد آورد.هرکه ماند بیند.

پس از نگارش-اطّلاع اخیری که تضییقات دو دولت در دربار ایران دربارهء این مسئلهء قرادرداد بما رسیده آنست که دو سفارت در 27 ربیع الأوّل امسال(1335)یادداشت سختی بدولت ایران فرستاده‏ و پس از شکایت در باب عدم انجام مسئلهء هیئت مختلط مالی و اختیارات‏ (1) Perey Sykes

کاوه » شماره 20 (صفحه 3)

آن دولت ایران را تهدید کرده‏اند باینکه اگ‏ر تا 8 ربیع الثّانی امسال دولت‏ ایران مسئلهء را تلافی نکرده و در اهمال خود مداومت نماید دو دولت‏ مزبور از ادای وجه اقساط مهلت(موراتوریوم)که ماهی مرتّبا دویست‏ هزار تومان بدولت ایران می‏پرداختند امساک خواهند کرد.و اگر باز بعد از آن مدّت اهمال کند آنوقت دولتهای مزبور اقدامات دیگر خواهند کرد.

اگر مسئلهء اتمام حجّت 18 ربیع الثّانی که جراید فرنگ نگاشته‏اند صحیح‏ باشد یعنی مقصود غیر از این یادداشت اتمام حجّت مانند باشد در این‏ صورت معلوم میشود که بعد از 8 ربیع الثانی دولتهای مزبور طریق‏ «اقدامات دیگر»را در این اتمام حجّت دیده‏اند.

ششمین قرض داخلی‏ دولت آلمان

دیروز 25 جمادی الآخره 1335 روزنامهای عصر برلین نتیجهء قرض ششم آلمان را نشر کردند که که بالغ به 000‘000‘770‘12 مارک بوده و بپول ایران در صورتیکه مارک را از قرار دو قران و نیم که دست کم نرخ‏ پیش از جنگ مارک در ایران است حساب کنیم معادل میشود با 000‘500‘192‘3 تومان.با اهمیّت فوق العادهء که مسئلهء پول در این‏ جنگ پیدا نمود اینگونه کامیابیها را نیز باید جزو فتوحات لشکری بزرگ‏ شمرد.چه هرکدام از پیشرفتهای متّحدین چه اقتصادی باشد چه نظامی‏ چه در پشت سنگر باشد یا در زیر امواج حکم فشار تازهء دارد که بر طنابی که باید روس و انگلیس را خفه نماید وارد آید.

کشمکش و تلاش کنونی روسیّه بین بقا و فنا و قحط و غلائی که پا بر گلوی آن‏ ملّت گذاشته سرنوشت این ملک را تاریک و پریشان داشته و عجالة از این‏ رهگذر میتوان چند روزی فارغ البال بود.ولی انگلیس با وجود آنکه با مشکلات بسیار مهمّ دست بگریبان است هنوز از پا درنیامده و متّحدین‏ هم که بخوبی میدانند مسئولیت این جنگ هولناک عالمگیر و خونهائی که در آن‏ ریخته میشود مخصوصا بگردن اوست مصمّم شده‏اند که با تمام توانائی خود بدفع و رفع او بکوشند.ورقهائی که برای دعوت مردم در همراهی با این قرض ششم در آلمان منتشر گردید این مسئله را بخوبی مینمایاند.در یکی از این اوراق نوشته شده است:«ما باید انگلیس را در هم بشکنیم! نه تنها با سلاح بلکه با پول هم.ما باید اوّل انگلیس فرومایه را که آتش‏ افروز حقیقی این جنگ است و سردستهء دشمنان ماست مجبور بصلح‏ کنیم!دشمنان ما که با شمشیر نمیتوانند بر ضدّ ما کاری پیش ببرند تصور میکنند بتوانند ما را از راه اقتصاد شکست بدهند ولی تو ای ملّت‏ آلمان نقشهء آنها را باید باطل نمائی و بآنها نشان دهی کراماتی را که وطن‏پرستی‏ آلمانی و توانائی آلمانی و کاربری آلمانی میتواند بعمل آورد!»

و الحّق ملّت آلمان هم در این راه از هیچ فداکاری فروگذاری ننمود و بنا بسرود ملی آلمان که:«آلمان،آلمان،بالای همه چیز!»وطن خود را بالاتر و والاتر از همه چیز دانسته و در راه آن از مال و جان و تحمّل‏ سختیها مضایقه نکرد.کسی که باحوال ملّت آلمان آشنا شد نمیتواند بزرگی و بزرگواری آنرا ستایش ننماید.ملّتی که در ابتدای جنگ با وجود قشون بزرگ حاضر خود و خدمت اجباری عمومی باز در مدّت کم دو ملیون داوطلب بمیدانهای جنگ فرستاد،ملّتی که از آغاز جنگ تا امروز قریب 60 میلیارد مارک(سی هزار کرور تومان)بدولت خود قرض داده، ملّتی که هزارها ملیون در راه وطن و انسانیّت بمریضخانها و یتیمها و بیوه‏ زنان داده و هر روز میدهد،ملّتی که هنوز بانکها و ادارات تجارتیش مزد کارگران خود را که در زیر بیرق سفید و سیاه و سرخ جان میدهند منظّما میپردازد این‏چنین ملّتی را نمیتوان از روی گفتهای هزل‏آمیز دشمنان‏ آن شناخت.ملّت آلمان را باید از روی مظاهر فلسفی چون لایبنیتز1 وکانت‏2،ادبی چون گوته‏3و شیلّر4و هردر5،موسیقی چون باخ‏6و بتهوین‏7و واگنر8و متزار9،شعری چون اولند10و ژان پاول‏11 و لناو12،صنعتی چون دورر13و هلباین‏14و کرنلیوس‏15و منتزل‏16 و علمی چون هزارها معلّمین درجهء اوّل شناخت که دنیائی را متوجّه خود ساخته‏اند.

دشمنان آلمان میگویند که سلطنت آلمان نظامی است و ملّت آلمان کورکورانه‏ و بدون چون و چرا فرمانبردار پیشوایان خود میباشد.و از اظهارات آنها چنین برمیآید که دلشان بحال ملّت ایران میسوزد و ادّعا میکنند که مقصودشان‏ از این جنگ برهم زدن اساسی نظامی آلمان است و آزاد نمودن ملّت آلمان. زهی بی‏انصافی که انسان تصوّر نماید که ملّتی چون ملّت آلمان که عدّهء بی‏ سوادهای آن مطابق کلیّهء احصائیّات از تمام ممالک دنیا کمتر است و در صورتیکه انگلیس مطابق احصائیّهء 1327 در هزار نفر 10 نفر بی‏سواد و فرانسه 10 نفر داشته آلمان نیم نفر هم نداشته بلکه در 2500 نفر فقط یک نفر بی‏سواد داشته چطور میشود که قریب 70 ملیون نفر یک‏ چنین ملّتی کورکورانه فرمانبردار دولت خود باشند.دشمنان آلمان اسم‏ فداکاری و اتّحاد و اطمینان کامل ملّت آلمان را بپیشوایان خود عبودیّت و بندگی‏ میگذارند و نژادهای وحشی سرخ و سیاه و زرد اقالیم مختلفه را برداشته‏ و در مقابل متمدّن‏ترین ملل دنیا آورده و میگویند میخواهیم ریشهء وحشیگری را از جا درآوریم!ولی مملکتی مثل مملکت آلمان که سربازش‏ آنطور مردانه جان میدهد و کارخانهایش آنگونه توپهای کوه‏شکاف از کوره‏های خود بیرون میدهد و پیران و کودکانش با آنهمه جانفشانی‏ (1) Leibniz

(2) Kant

(3) Goethe

(4) Sehiller

(5) Herder

(6) Bach

(7) Beethonen

(8) Avagner

(9) Mozart

(10) Uhland

(11) Jean paul

(12) Lenau

(13) Du.rer

(14) Holbein

(15) Girnehius

(16) Menzel